

جغرافیای تاریخی شهرستان سمنان

فائزه کوهساریان

پیشینه تاریخی قومس

استان سمنان در شمال ایران، در دامنه جنوبی رشته کوه البرز قرار دارد و یکی از مناطق بزرگ و مهم ایران است که از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و گامهای بزرگی را در توسعه و آبادی برداشته است. استان سمنان پیش از تقسیمات سیاسی جدید، ایالت قومس نامیده می‌شد.

«استاد واسیلی بارتولد بر این باور بود که ایالت کومش و به پارسی کومس^۱ و به عربی قومس، همان سرزمین است که ایزیدور خاراکسی به نام «قومیس» از آن یاد کرده است»^۲.
«در ۲۴۲ق، در قومس و نیشابور و توابع آن زلزله‌هایی روی داد که در قومس خلقی زیاد بمردند و روز شنبه ۱۱ شب مانده از شعبان در اثر زمین لرزه ۲۰۰ هزار نفر مردند و پس از آن شهرهایی در خراسان به زمین فرو رفت»^۳.



۱- قومس در پیش از اسلام

«منطقه قومس» از دوران باستان به‌ویژه در روزگار هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از جایگاه استراتژیک، بازرگانی و ارتباطی ویژه‌ای برخوردار است. در زمان کوروش بزرگ هخامنشی قومس چون پلی، ایالت‌های راگا/ری، خراسان و استرآباد را به هم پیوند می‌داد و مهم‌ترین راه ارتباطی موجود در زمان داریوش بزرگ کومش بوده است.^۴

«آریان، تاریخ‌نگار یونانی، محل کشته شدن داریوش سوم را در محلی بین سمنان و شاهرود و شاید در نزدیکی دامغان می‌داند. گفت کورش، حاجی‌آباد کنونی را محل کشته شدن وی نام برده است».^۵

«پس از مرگ اسکندر، سلوکیان حدود ۶۰۰ شهر در خاور و ایالت پارت بنا کردند که یکی از این شهرها «آپامایا» لاسگرد کنونی است و دیگری شهر «هکاتم پیلس» صد دروازه است که توسط حکام سلوکی اداره می‌شد».^۶

۲- قومس در پس از اسلام

۲-۱- دوره اسلامی

«در ۶۵۱م ایران به‌دست مسلمانان افتاد و آنها متوجه شهرهای بزرگ شدند. ابتدا وی را کشتند و سپس به سوی شمال خاوری ایران تاختند و در زمان خلافت عمر، به ایالت کومش رهسپار و شهرهای سمنان، دامغان، بسطام و ... را گشودند».^۷

«در روزگار امویان و عباسیان، انقلاب و قیام‌های مردمی، سراسر ایران را فرا گرفته و نهضت‌های زیادی روی داد که از همه مهم‌تر، قیام سنباد در خراسان، طبرستان، قومس و گیلان، به سال ۱۳۷ق است».^۸

«در ۳۲۹ ق ماکان کاکي، سردار منطقه قومس، علیه سامانیان و آل زیاد قیام کرد و در ۲۱ ربیع‌الاول ۳۲۹ ق در جنگ اسحاق‌آباد کشته شد و منطقه قومس به‌دست سامانیان افتاد».^۹

«ایالت قومس، در سده‌های ۶ و ۷ ق یکی از کانونهای مهم اسماعیلی بوده به طوری که در این ایالت حدود ۱۵۰ دژ در اختیار این گروه بوده که یکی از مهم‌ترین دژها، دژ گردکوه یا گنبدان‌کوه دامغان بوده است».^{۱۰}

۲-۲- مغولان و تیموریان

«یورش مغولان در ۶۱۵ ق از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ ایران زمین است زیرا ایران پس از این یورش، به درجه‌ای از ویرانی و گرفتاری رسید که آثار شوم آن تا سده‌ها بر جای بود».^{۱۱}

«سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در ۶۲۴ ق اسماعیلی‌ها را سرکوب کرد و مغولان را در قومس شکست داد».^{۱۲}

«تیمور لنگ در سومین یورش خود به ایران، بین سالهای ۷۸۶-۷۸۷ ق قزوین، سلطانیه، قومس و ... را گشود و شمار زیادی از مردم را کشت. تیمور در ۷۹۲ ق هنگام رفتن به ترکستان، حکومت فیروزه، خوار، سمنان و دامغان را به اسکندر شیخی پس از افراسیاب چلابی سپرد».^{۱۳}

«در ۸۵۳ ق میرزا ابوالقاسم بابر، هرات را گرفت و به حکومت رسید و به گفته خواندمیر، در سمنان تاج‌گذاری کرد و از سوی قطب‌الدین کاووس سمنانی پذیرایی شد».^{۱۴}

۲-۳- صفویان و افشاریان

«پس از برآمدن صفویان، امیرحسین کیای چلابی در برابر شاه اسماعیل پایداری کرد اما سرانجام شکست خورد و در قفس آهنی زندانی شد و پس از چند روز در یورت کبود گنبد جان سپرد و فیروزکوه، خوار، سمنان، سنگسر و ... به دست صفویان افتاد».^{۱۵}

«در دوران حکومت نادر، ایالت قومس جزو قلمرو او بود».^{۱۶}

۲-۴- زندیان و قاجاریان

«در دوره مشروطه، مردم آزاده ولایت قومس، به رهبری شادروان سید ابوطالب حسنی شریعت پناهی، بر ضد حکومت خودکامه قاجار قیام کردند».^{۱۷}



وجه تسمیه قومس

قومس در ابتدا «کومه شه» بوده است. چون این سرزمین در گذشته بسیار آباد و دارای چشمه‌سارها و مرغزارهای وسیع و پرشکار بوده در نقاط مختلف آن، پناهگاههای متعددی ساخته شده و به آنها «کومه شه» می‌گفتند و در اثر کثرت استعمال به «کومش» و «قومس» تبدیل شده است.

قومس در ابتدا «کوه مس» بوده است چون در این ایالت کوههای مس زیاد بوده و بدین مناسبت به این اسم نامیده شده و بعد تحریفی به عمل آمده و به کومس و قومس تبدیل شده است.

چون این ایالت فاقد رودهای دائمی و پرآب بوده و چون مردم اینجا برای اولین بار در تاریخ، اقدام به ایجاد قنات یا کاریز کرده‌اند به نام «کومش» یعنی چاه‌کن و مردم آن «کومشی» نامیده شده‌اند.^{۱۸}

در فرهنگ آندراج آمده است: «کومش = به کسر ثالث بر وزن جوشش، چاه جوی و کنکن را گویند که چاه‌کن باشد».^{۱۹}

قومس در گزارش جغرافی دانان جهانگرد

در نخستین سده‌های اسلامی ایران، تنی چند از جغرافی‌دانان جهانگرد از ایالت قومس دیدن کرده‌اند و شرح سخنان و دیده‌های خود را نوشته‌اند از جمله: «ابن‌واضح یعقوبی (م بعد از ۲۹۲ق) می‌گوید: فاصله ری تا قومس و دامغان مرکز آن، ورود اسلام به سال ۳۰ ق به این دیار و فتح آن در زمان عثمان بن سرداری عبدالله بن عامرین گریز و مهارت قومسیان در بافت جامه‌های پشمین قومسی که شهرت جهانی داشته و خراج سالانه‌اش که در آن روزگار به یک میلیون و پانصد هزار درهم بالغ می‌شد».^{۲۰}

«ناصرخسرو قبادیانی می‌گوید: در ذی‌حجه سال ۴۳۷ در بسطام، تربت عارف پارسا بایزید را زیارت کرده، سپس از دامغان به سمنان رفته و در آنجا به جستجوی دانش‌مردی برآمده و به سراغ

علی نسائی رفته که زبان پارسی را به لهجه دیلمیان سخن می‌گفته و او را چنان‌که می‌نموده نیافته است.^{۲۱}

«درباره قومس مؤلف *حدود العالم* که ظاهراً اثرش را در ۳۷۲ ق نوشته می‌گوید: ناحیه‌ای است (قومس) میان ری و خراسان بر راه حجاج و اندر میان کوههاست و آبادان و پر نعمت است.^{۲۲} «رابینو در سفرنامه‌اش و اعتماد السلطنه در کتابش چنین آورده‌اند که طبرستان، مشتمل بر گرگان، استرآباد، مازندران و رستمدر می‌شده که گاهی بسطام، دامغان، خرقان و فیروزکوه نیز به آن ملحق می‌شده است.^{۲۳}»

جغرافیای تاریخی شهرستان سمنان

«در جنوب سلسله جبال البرز در دشتی وسیع با شیب تند از شمال به جنوب ساخته شده و شامل شهرهای سمنان، مهدی‌شهر، شهمیرزاد و سرخه است. شهر سمنان در شرق شهر گرمسار، در غرب شهر دامغان و از شمال به استان مازندران و شهر فیروزکوه و از جنوب به کویر محدود شده است. این شهر در مسیر تهران-خراسان است که هم مسیر جاده‌ای و هم مسیر شبکه راه‌آهنی در آن وجود دارد.^{۲۴}»

«قدمت این شهر تاریخی را دو هزار سال تخمین می‌زنند.^{۲۵} «حمدالله مستوفی می‌گوید: قدمت سمنان به حدود هزاره‌های ۴ و ۵ پیش از میلاد می‌رسد.^{۲۶} «می‌گویند شهر سمنان را تهمورث دیوبند= زیناوند ساخته است.^{۲۷}»

وجه تسمیه سمنان

منطقی‌ترین مأخذی که بر زمینه پیدایش کلمه «شهر سمنان» داریم این است که: «مرحوم صنیع‌الدوله سمنان را «سمینا» نامیده و نوشته که در زمان تهمورث دیوبند به وجود آمده و در اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است و عده‌ای معتقدند که ابتدا مردم این شهر «سمنی» مذهب بوده‌اند زیرا قبل از ظهور زردتشت مرام این مذهب، بی‌علاقه‌گی به مادیات دنیا بوده و با توجه به اینکه در زبان سمنانی، مردم سمنان را سمنی می‌گویند، به همین مناسبت سمنان، به دیار وارستگان تشبیه شده است.^{۲۸}»



شهمیرزاد

«در قسمت شمال سمنان، بعد از مهدی‌شهر، شهمیرزاد واقع شده که در دامنه ارتفاعات سلسله جبال البرز و در منطقه خوش آب و هوای سمنان که سردسیر است قرار گرفته که آب آن از چشمه‌سارهایی به نام هفت چشمه، شیخ چشمه سر، کاهش و چندین چشمه کوچک دیگر و قنواتی چند تأمین می‌شود.

باغات میوه‌جات و قلمستان، قصبه را احاطه نموده و محصول عمده این ناحیه گردو، آلو و سایر میوه‌جات سردسیری است و صادرات آن علاوه بر این دو نوع کتیرا هم می‌باشد. زبان مادری سکنه قصبه، فارسی قدیم مخلوط به مازندرانی است».^{۲۹}

ده صوفیان

«دهی جزو بخش سنگسر شهرستان سمنان که دارای آب و هوای معتدل کوهستانی و سردسیر است. مردم آن شیعه مذهب‌اند و زبانشان فارسی مخلوط به مازندرانی است. آبشان از چشمه تأمین می‌شود و دارای محصولات غلات و لبنیات‌اند. شغل مردان زراعت و گله‌داری است».^{۳۰}

زیارت

«این ده مشهور به امامزاده قاسم و جزء بخش سنگسر شهرستان سمنان و دارای آب و هوایی کوهستانی و سردسیر است. زبانی آمیخته از فارسی و سنگسری و مازندرانی دارند. محصولات مختصری از قبیل غلات، میوه‌جات و لبنیات را دارا هستند. شغلشان زراعت و گله‌داری است».^{۳۱}

دریند

«دیه‌ای است بسیار خوش آب و هوا که در ۳ کیلومتری جنوب شهمیرزاد و در شمال مهدی‌شهر واقع شده و مشرف به دره سرسبز و خرم دریند است. غاری هم به همین نام در این ناحیه واقع شده است. در ضمن آب دریند به گوارایی مشهور است».^{۳۲} «در فصل تابستان اکثر خانواده‌های متمکن، سه ماه تابستان را با خانواده خویش در این منطقه فرحبخش به سر می‌برند».^{۳۳}

آهوان

حمدالله مستوفی از آهوان سمنان نام برده و می‌نویسد: «شهرچه‌ای است میان سمنان و دامغان و قبور بسیاری از صالحین در آنجاست و گندم و میوه در آنجا فراوان حاصل می‌شود».^{۳۴}

لاسجرد

دهی از دهستان سرخه بخش مرکزی شهرستان سمنان و ۳۴ کیلومتری جنوب باختری سمنان، جلگه‌ای و معتدل و خشک است. رباط شاه عباسی از آثار دوره صفویه است، در این دهکده بقعه‌ای است گویند امامزاده سید رضا از فرزندان امام موسی کاظم (ع) در آنجا مدفون است.^{۳۵}

دهستان علاء

«نام یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سمنان و در جنوب باختری سمنان واقع است. یکی از ابنیه‌های دیدنی آن منارجنبان است که قدمت بنای آن زیاد است.»^{۳۶}

حاجی آباد خوریان

دهی از دهستان علاء بخش مرکزی شهرستان سمنان و ۱۱ کیلومتری جنوب خاوری سمنان است که این ناحیه از نظر معادن نفتی دارای اهمیت بسیاری است.^{۳۷}

معادن و کان‌های سمنان

لازم به ذکر است که شهرستان سمنان دارای معادن بسیار زیادی است از جمله: نفت، آهن، سرب، گوگرد، ذغال‌سنگ، نمک و غیره. در اینجا تنها به چند مورد از آن می‌پردازیم.

نفت

در جنوب شرقی سمنان در ناحیه‌ای موسوم به کویر خوریان به وسعت نسبتاً زیادی نفت وجود دارد. در این محل عملیات صحیح و علمی و فنی توسط روسهای تزاری انجام شده و طبق نظر متخصصان، نفت این منطقه متعلق به اوایل دوران سوم می‌باشد. پس از سفر محمدرضا پهلوی به شوروی و حل اختلافات بین ایران و شوروی، این معدن‌ها به ایران بازگردانده شد ولی تاکنون اقدامی در جهت استخراج آن به عمل نیامده است.^{۳۸}

گوگرد

گوگرد به فراوانی در خلال گچ‌های ناحیه جنوب سمنان به دست می‌آید. سنگهای معدن گوگرد دارای حد متوسط ۲۵ تا ۲۰ درصد گوگرد است.^{۳۹}



ذغال سنگ

آثار ذغال سنگ در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی سمنان در محلی به نام «سارو» نزدیک کوه پیغمبران هویداست.^{۴۰} اما ذغال سنگ نسبتاً قابل ذکری در ناحیه دهکده جام واقع است.^{۴۱}

آثار باستانی شهرستان سمنان

شهرستان سمنان دارای آثار باستانی بسیاری از جمله: آرامگاه شیخ علاءالدوله سمنانی، بارگاه علویان، امامزاده اشرف، امامزاده علی بن جعفر، امامزاده یحیی، غار دربند، خانه ابراهیم خان کلانتر، دروازه ارگ و غیره است. در اینجا به ابنیه‌های تاریخی و مهم سمنان اشاره می‌کنیم.

دروازه ارگ

این دروازه در تقاطع خیابانهای آیت الله طالقانی و شیخ فضل الله نوری سمنان واقع شده است. دروازه ارگ در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ ق (۱۲۵۸ تا ۱۲۶۳ ق) بنا شد. بنای اصلی دروازه از آجر به ارتفاع بیش از ۷ متر ساخته شده، یکی از شاهکارهای این بنای تاریخی، سر در جالب توجهی است که در آن تصویر تاریخی نبرد رستم و دیو سپید به طور خیره کننده‌ای روی کاشی هفت رنگ منقش است و درهای دروازه از الوار قطور با گل میخهای آهنی است و بعد از انقلاب اسلامی این بنا از سوی سازمان میراث فرهنگی استان، مرمت و بازسازی شده است.^{۴۲}

مسجد جامع

این مسجد یکی از کهن‌ترین آثار تاریخی به جا مانده از دوران اسلامی این شهر است که در واقع نشانگر رشد و تنوع معماری مردم این شهر به شمار می‌رود. این اثر تاریخی طبق متون تاریخی به قرن سوم هجری تعلق دارد. بنای اولیه مسجد از آثار دوران اسلامی است که در دوره سلجوقی، ایلخانی و تیموری گسترش یافت.^{۴۳}

در وقف‌نامه مسجد که در دو صفحه سنگ، مرتسم و به دیوار نصب است تاریخ بنای مسجد را سال ۱۱۳ ق تعیین نموده‌اند. مقصوده این مسجد، مربع متساوی‌الاضلاع و چهارده قدم در چهارده قدم است. ارتفاع گنبد مقصوره تقریباً چهارده ذرع و ارتفاع ایوان مقصوره ۲۰ ذرع و دهنه ایوان ۱۰ ذرع است.^{۴۴}

«این مسجد بر پایه گمانه‌زنی و کاوش‌های اخیر در سده‌های نخست ق بر روی خرابه‌های آتشکده بنا شده و در گذر زمان، دگرگونی و تغییراتی در آن به وجود آمده، به طوری که در حال حاضر بنایی از دوره‌های مغول و تیموری به نظر می‌رسد».^{۴۵}

منار مسجد جامع

منار مسجد جامع سمنان یکی از زیباترین مناره‌های تاریخی استان به‌شمار می‌رود که در گوشه شمال‌شرقی مسجد جامع قرار دارد. ارتفاع این منار از سطح زمین ۳۱/۲۰ متر است و از روی بام به ارتفاع ۲ متر کتیبه‌ای با طرح و نقش بسیار زیبا از آجر و با خط کوفی تزئین شده است.^{۴۶} طبق مفاد مقاله سمنان در دایرةالمعارف اسلامی و همچنین مضمون کتیبه اطراف منار که به خط کوفی است، منار مذکور را امیر اجل بختیار بن محمد معروف به «ابو حرب بختیار» حاکم قومس در دوره غزنویان و ممدوح استاد منوچهر دامغانی شاعر بزرگ ایالت قومس، میان سالهای ۴۱۷ تا ۴۶۶ بنا کرده است.^{۴۷}

واسیلی بارتولد در کتابش می‌نویسد: در دامغان و سمنان مناره‌هایی از قرون وسطی باقی مانده که طرز معماری آن شبیه منار «خسروجرد» سبزوار است.^{۴۸}

بازار عمومی

این بازار که به شیوه معماری سنتی ایران و با در نظر گرفتن آب و هوای ویژه کویری با سقف خشتی و آجری، در حدود ۲۰۰ سال پیش در اوایل حکومت قاجار ساخته شده، بزرگ‌ترین مرکز خرید و فروش کالاهای بازرگانی است. این بازار از دو بخش شمالی و جنوبی (بازار حضرت) ساخته شده است.^{۴۹}

«بازار شمالی دارای سقف و طاق ضربی است که بر روی طاقهای جناغی استوار گردیده است و راسته بازار نامیده می‌شود. کف راسته بازار در قسمت شمالی هم‌سطح خیابان و در قسمت جنوبی به اندازه تقریباً سه متر از خیابان بلندتر است و به وسیله پله‌هایی به خیابان راه می‌یابد. بازار جنوبی در حدود ۲۰۰ متر طول دارد که با دو، سه پله از خیابان وسط شهر به داخل آن می‌روند و تا تکیه پهنه، که گرمابه یا موزه حضرت در آنجا واقع است، ادامه می‌یابد».^{۵۰}



جرج ناتانیل کرزن انگلیسی می‌گوید: «در بازار، میدانی است که چنارهای برازنده‌ای دارد، تنهٔ عظیم یکی از چنارهایی که در بازار است از سقف آن بالا رفته».^{۵۱}

گرمابهٔ حضرت (پهنه)

«در شمال غربی تکیهٔ پهنه بین مسجد جامع و امامزاده یحیی (ع) و مسجد امام، گرمابه‌ای وجود دارد که در حال حاضر به حمام حضرت (پهنه) معروف است که هم اکنون به صورت موزه‌ای درآمد است. این حمام در سال ۸۵۶ ق در زمان سلطنت ابوالقاسم بابرخان، پادشاه تیموری و به دستور وزیرش، خواجه غیاث‌الدین بهرام سمنانی ساخته شد».^{۵۲}

«این حمام به علت کم‌توجهی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ویران می‌شود و کتیبهٔ آن از بین می‌رود یا ربوده می‌شود اما در زمان مظفرالدین شاه طبق دستور «حاج ملاعلی حکیم الهی سمنانی» دانشمند معروف نسبت به تعمیر و تجدید بنای آن اقدام شد. یکی از قسمتهای جالب توجه این حمام سر در زیبا و کاشی‌کاری شدهٔ آن است و در بالای در ورودی، اشعاری به خط نستعلیق خوانا و استادانه نوشته شده است. این حمام از موقوفات مسجد جامع است».^{۵۳}

امامزاده یحیی

«در مرکز شهر سمنان و در انتهای بازار جنوبی و در جنوب غربی تکیهٔ معروف پهنهٔ بقعه‌ای با بارگاه رفیع و مجلل به نام حضرت یحیی (ع) وجود دارد».^{۵۴} «روایت کرده‌اند که بعد از شهادت امام رضا در مرو و طبق دستور مأمون، برادر آن حضرت را که در سمنان به ارشاد خلق اشتغال داشته شهید نموده و در این محل به خاک سپرده‌اند».^{۵۵} «این واقعهٔ جانگداز در ۲۳ صفر المظفر سال ۲۰۳ ق اتفاق افتاد و حضرت در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید».^{۵۶} «این بقعه یکی از اماکن مذهبی و مقدمه‌ای به‌شمار می‌رود که در شکل‌گیری بافت قدیم شهر سمنان نقش به‌سزایی به عهده داشته است. اکنون فضای اطراف آن مدفن شهدای گلگون کفن جنگ تحمیلی است و دارای یک ایوان رفیع با تزئینات کاشی‌کاری و گنبدی پیازی شکل و دو راهرو و جانبی می‌باشد و از آثار دوران صفویه به‌شمار می‌رود».^{۵۷}

قلع سارو

«در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی سمنان در منطقه‌ای کوهستانی به نام «سارو» دو قلعه تاریخی بسیار محکم و صعب‌العبور وجود دارد که عمده مصالح مصرف شده در آنها از سنگ است و شامل قلعه شمالی به نام «ساروی کوچک» و قلعه جنوبی به نام «ساروی بزرگ» است. قدمت این قلعه‌ها مربوط به دوره پیش از اسلام بوده ولی در طول زمان توسط اقوام مختلف از جمله فرقه اسماعیلیه مورد استفاده قرار گرفته است».^{۵۸}

«در قرن ۶ و ۷ ق در ایالت قومس، بیش از ۱۵۰ قلعه در اختیار اسماعیلیه بوده است».^{۵۹}

غار دربند

«این غار از بزرگ‌ترین غارهای استان است که در دربند واقع شده مدخل غار به ارتفاع ۱/۳۵ متر و عرض ۲/۷۵ متر است. فضای داخلی غار نسبتاً ساده و به صورت تالاری بیضی شکل است به طول ۹۱ متر. بلندترین ستون استلاگمیت با ارتفاع ۱۲ متر و با قطر متوسط ۲/۸۵ متر می‌باشد که همه آنها باعث شده یکی از زیباترین و تماشایی‌ترین غارهای ایران به‌شمار آید».^{۶۰}

«کاوش‌های انجام یافته در غار نشانگر آن است که این غار از دوره‌های گوناگون تاریخی است. دیرترین آثار به‌دست آمده از آن مربوط به سده ۵ ق و مستندترین آن سکه طلایی به خط کوفی است که سبک خط آن از اواخر دوران سلجوقی و اوایل یورش مغول است».^{۶۱}

کاروانسرای سنگی آهوان

«این کاروانسرا که در منطقه گردنه آهوان سمنان واقع شده است از جمله مهم‌ترین کاروانسراهای استان است که با سنگ و ملات ساروج ساخته شده است. پلان این کاروانسرا چهار ایوانی است و زمان ساخت آن مربوط به دوره صفویه است».^{۶۲}

در مورد این کاروانسرا که در سال ۱۰۶۷ ق در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است مرحوم صنیع‌الدوله می‌گوید: امتیاز این رباط این است که روی کار از خارج و داخل، آجر تراش به‌کار برده‌اند. در بالای سر در رباط، سنگ مرمری بسیار ممتازی نصب است و بالای آن سنگ مرمر کوچک‌تری قرار دارد. بر روی سنگ بالایی که منبت است به خط ثلث نوشته شده «بسم الله الرحمن الرحیم» و در سنگ زیر، اشعاری نگاشته‌اند».^{۶۳}

خانه ابراهیم خان

«این بنا در روستای ملاده و در پنجاه و پنج کیلومتری شمال شرقی سمنان واقع شده است. خانه ابراهیم خان یا شکارگاه ملاده در یک مکان بسیار خوش آب و هوا قرار دارد. این خانه در یک باغ مصفا ساخته شده و ساختمان قراولخانه یا عمارت کلاه فرنگی در گوشه دیگری از این باغ قرار گرفته است.»^{۶۴}

«بناهای مذکور در سال ۱۲۸۷ق توسط ابراهیم خان، حاکم دودانگه و چهاردانگه برای سکونت شخصی اش احداث شده و پس از کشته شدن پسرش بازماندگان از آن محل کوچ کرده و خانه را غیر مسکونی باقی گذاشته‌اند. لازم به ذکر است که قدمت تاریخی عمارت‌های فوق به زمان بعد از سلجوقیان می‌رسد.»^{۶۵}

پی‌نوشت‌ها

۱. بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۱۳۹.
۲. مارکورات، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ص ۱۴۴.
۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲۲.
۴. مخلص، آثار تاریخی سمنان، ص ۹-۱۰.
۵. پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۲، ص ۱۲۹۴.
۶. مخلص، همان، ص ۳۹۱.
۷. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۴۷.
۸. بنی احمد، راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، ص ۹۸.
۹. مهرآبادی، تاریخ سلسله زیدی، ص ۸۰.
۱۰. مخلص، همان، ص ۲۵.
۱۱. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول اوایل ایام تیموری، ص ۳۵ تا ۳۷.
۱۲. اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ص ۳۵-۳۷.
۱۳. صفایی، دماوند، ص ۷۴.
۱۴. خواندمیر، دستورالوزراء، ص ۳۸۲.
۱۵. اعتماد السلطنه، التدریس فی احوال جبال شروین، ص ۲۲۰-۲۲۱.
۱۶. ملانوری، فصلنامه فرهنگ قومس، ص ۱۵.
۱۷. مخلص، همان، ص ۴۳.
۱۸. حقیقت، تاریخ قومس، ص ۱۸۱.
۱۹. فرهنگ آندراج، ذیل لغت کومش.
۲۰. یعقوبی، مختصر البلدان، ص ۴۵-۴۶.



۲۱. قبادیانی، سفرنامه، ص ۳ و ۱۲۸-۱۲۹.
۲۲. مؤلف نامعلوم، *حدودالعالم فی المشرق و المغرب*، ص ۱۴۶.
۲۳. رابینو، *سفرنامه مازندران و استرآباد*، ص ۲۲ و اعتماد السلطنه، *مرآة البلدان*، ج ۱، ص ۱۰۱۸.
۲۴. فرجی اطربی، *سمنان در آیینة گردشگری*، ص ۲۴.
۲۵. ملانوری، *فصلنامه*، ش ۲ و ۳، ص ۲۸.
۲۶. پژوم شریعتی، *کنگره جهانی هزاره تدوین شاهنامه*.
۲۷. کریستین سن، *نخستین انسان و نخستین شهریار*، ص ۲۶۱.
۲۸. مخلصی، *آثار تاریخی سمنان*، ص ۵۳.
۲۹. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۲۴-۲۲۵.
۳۰. حقیقت، *تاریخ سمنان*، ص ۴۳.
۳۱. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۲۶.
۳۲. همان.
۳۳. حقیقت، *تاریخ سمنان*، ص ۴۳.
۳۴. مستوفی، *نزهت القلوب*، ص ۱۲۴.
۳۵. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۲۷.
۳۶. حقیقت، *تاریخ سمنان*، ص ۴۲.
۳۷. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۳۰.
۳۸. حقیقت، *تاریخ سمنان*، ص ۲۸-۲۹.
۳۹. همان، ص ۳۰.
۴۰. *جغرافیای اقتصادی کیهان*، ص ۲۳۴.
۴۱. *تاریخ سمنان*، ص ۳۰.
۴۲. فرجی اطربی، *سمنان در آیینة گردشگری*، ص ۲۶.
۴۳. فرجی اطربی، *سمنان در آیینة گردشگری*، ص ۲۸.
۴۴. رفیع، *تاریخ قومس*، ص ۲۷۷.
۴۵. ملانوری، *فصلنامه فرهنگ قومس*، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۰ و نیز طاهر، *فرهنگ و هنر سمنان در عصر پهلوی*، ص ۷۹.
۴۶. اطربی، همان کتاب، ص ۲۸.
۴۷. رفیع، *تاریخ قومس*، ص ۲۷۸.
۴۸. بارتولد، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ص ۱۵۸.
۴۹. مخلصی، *آثار تاریخی سمنان*، ص ۱۶۱.
۵۰. حقیقت، *شناسنامه آثار تاریخی قومس*، ص ۲۱۱-۲۱۲.
۵۱. حقیقت، همان کتاب، ص ۲۰۹.
۵۲. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۸۸.
۵۳. اطربی، همان کتاب، ص ۳۴.
۵۴. برگرفته از جزوه‌های منتشره آستانه حضرت امامزاده یحیی (ع)، سمنان.
۵۵. حقیقت، *تاریخ قومس*، ص ۲۹۶.



۵۶. برگرفته از همان جزوه.
۵۷. برگرفته از جزوه منتشره میراث فرهنگی سمنان.
۵۸. حقیقت، شناسنامه آثار تاریخی کومش، ص ۶۷-۶۸.
۵۹. شاملویی، از ماد تا پهلوی، ص ۴۹۴.
۶۰. فرجی اطربی، سمنان در آیین گردشگری، ص ۳۳.
۶۱. حسن و دستیاران، استان سمنان، ص ۶۰۲-۶۰۳.
۶۲. عمید، راهنمای آثار تاریخی و فرهنگی سمنان، ص ۱۰.
۶۳. بنی اسدی، سیمای استان سمنان، ص ۱۷۱.
۶۴. عمید، همان، ص ۶.
۶۵. بنی اسدی، سیمای استان سمنان، ص ۳۱۸.